

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه انتقال محکومین به حبس»

بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند»

مقدمه

یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل، اصل همکاری دولت‌هاست که یکی از جلوه‌های آن همکاری‌های حقوقی و قضایی است. امروزه عموماً چارچوب حقوقی این همکاری‌ها در موافقتنامه‌های دو یا بعضاً چندجانبه‌ای تعریف می‌شود. خود این موافقتنامه‌های چندجانبه، قالب‌های متفاوتی دارد. یکی از این صورت‌ها انعقاد موافقتنامه‌های سه‌گانه استرداد مجرمان، همکاری قضایی و انتقال محکومان به حبس است.

دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ دو موافقتنامه با هند در خصوص استرداد مجرمین و همکاری‌های قضایی منعقد کرد که هر دو در مجلس مورد تصویب قرار گرفت و در نهایت پس از ایراد شورای محترم نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام هر دو را به تصویب رساند. لایحه حاضر موافقتنامه انتقال محکومان به حبس است که دو موافقتنامه فوق را تکمیل می‌نماید.

آثار تصویب لایحه

انعقاد موافقتنامه‌های از جنس موافقتنامه‌های همکاری در حقوق بین الملل اقدامی جهت گسترش ارتباطات تلقی می‌شود که از آن حیث که با حقوق اتباع نیز مرتبط است، آثار مفیدی دربر دارد. انعقاد چنین موافقتنامه‌ای می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را در خصوص موضوع موافقتنامه حل نماید، اما با این حال مسائلی وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره شده است.

ارزیابی مواد لایحه

۱. متن ارائه شده، ترجمه‌ای ثقیل و غیرروان است برای مثال در مقدمه موافقتنامه آمده است «و با در نظر گرفتن اینکه این هدف باید با دادن فرصت به اتباع خارجی که در نتیجه ارتکاب جرم کیفری، محکوم و زندانی شده‌اند برای گذراندن محکومیتشان در درون جامعه خودشان تحقق یابد و...»

۲. ماده (۱) بند «ت»، صرفنظر از ایراد دستور زبان فارسی آنچه به نظر می‌رسد این است که جمله اصلی فاقد فعل باشد، با این توضیح که این بند به تعریف «شخص محکوم» می‌پردازد و در انتهای آن آمده است «به موجب حکم یک دادگاه کیفری، از جمله دادگاه‌های ایجاد شده به موجب قانونی است که هم‌اکنون در دولت‌های متعاقد جاری است». این قید اضافه است زیرا در صدر ماده آمده است که «شخص محکوم به معنای شخصی است که در حال سپری کردن مجازات زندان براساس حکم صادره توسط یک دادگاه کیفری، ...» به نظر می‌رسد با افزودن فعلی نظیر «است» تا همین جا برای بیان مقصود طرفین موافقتنامه کافی باشد و هیچ‌گونه ضرورتی به آوردن ادامه جمله نباشد که معلوم نیست، به چه منظوری در این بند آمده و ابهام ایجاد می‌نماید.

۳. در بند «۲» ماده (۲) در بیان افرادی که می‌توانند درخواست انتقال نمایند «یا هر فرد دیگری که از جانب او اختیار داشته باشد» اشاره شده است. معلوم نیست اختیار داشتن به چه معناست و باید در چه قالبی متجلی گردد؟ آیا ضرورت دارد در قالب وکالت باشد، یا سایر موارد اختیارات از جمله اختیارات قانونی را نیز باید مشمول این بند دانست؟

۴. بند «۳» ماده (۵) درخصوص اطلاع دادن «بی‌درنگ» ابهام دارد و بهتر است از ضابطه‌ای کمی نظیر طول مدت خاصی (برای مثال یک ماه) استفاده شود.

۵. درخصوص ماده (۶) نکته قابل توجه این است که به جزء «خ» بند «۱» ماده (۳) اشاره شده است که به نظر می‌رسد جزء «ح» صحیح بوده و اشتباه تاپی صورت گرفته است.

۶. در ماده (۷) موردی آمده است که عجیب می‌نماید. در صدر ماده آمده است که تحویل شخص مورد انتقال در محلی صورت می‌گیرد که مورد توافق دو کشور قرار گیرد، اما بلافاصله پس از آن آمده است که «دولت دریافت‌کننده مسئول انتقال زندانی از دولت انتقال‌دهنده خواهد بود». معلوم نیست که آیا این بند خواسته است بگوید که در صورت عدم توافق دو دولت در محل انتقال، دولت دریافت‌کننده مسئول است؟ یا خیر. در صورتی که دو دولت درخصوص محل خاصی مثلاً کشور ثالث به توافق برسند آیا باز هم دولت دریافت‌کننده را باید مسئول انتقال زندانی «قبل از تحویل گرفتن وی» دانست؟ یا در این فرض معنای مسئولیت می‌تواند پرداخت هزینه‌های انتقال باشد که در ماده (۱۵) نیز پیش‌بینی شده است؟ لازم است متن اصلاح شود و برای پرهیز از تفاسیر متضاد و ایجاد اختلاف آنچه که مورد نظر بوده است به دقت روشن شود.

۷. بند «۱» ماده (۸) ادامه اجرای محکومیت را منوط به حکم دادگاه یا حکم اداری دولت دریافت‌کننده دانسته است، این امر در مواردی ممکن است منجر به محاکمه مجدد شود که در بند «۳» ماده (۹) ممنوع شده است.

۸. بند «۲» ماده (۹) درخصوص تبدیل محکومیت از نظر مبنا و اساس موافقتنامه انتقال محکومان باید مورد بازنگری مجدد قرار گیرد. در موافقتنامه انتقال محکومان، تنها اتفاقی که قرار است صورت گیرد، گذراندن دوران محکومیت در کشور دیگر است و قرار نیست که حکم اولیه عوض گردد. بر همین مبناست که در بند «۲» ماده (۱۱) تجدیدنظر در حکم را در صلاحیت دادگاه انتقال‌دهنده قرار داده است. تنها در دو مورد است که ممکن است درخصوص محکومیت تغییراتی صورت گیرد. اولاً آنها استفاده از حقوقی از جمله آزادی مشروط، عفو و... خواهد بود که محکومان در طول دوره محکومیت ممکن است از آن برخوردار گردند. در این مورد قانون کشور دریافت‌کننده نیز در کنار قانون کشور صادرکننده محکومیت (بند «۱» ماده (۱۱)) مجری خواهد بود. ثانیاً درخصوص مواردی که نوع مجازات در نظر گرفته شده در کشور دریافت‌کننده وجود نداشته باشد. این مورد کاملاً استثنایی است، اما در بند «۲» ماده (۱۱) آنقدر موسع دیده شده است که در تمام موارد دولت دریافت‌کننده می‌تواند نسبت به تغییر نوع حکم و مدت آن تغییر ایجاد نماید.

۹. در ماده (۱۱) امکان اعطای عفو و بخشودگی یا تخفیف را از سوی هریک از دولت‌های متعاقد پیش‌بینی نموده است، لکن مشخص نیست که آیا به عنوان مثال دولت ایران می‌تواند از اعمال تخفیف صادره از سوی دولت هند جلوگیری و امتناع نماید یا خیر؟

۱۰. در بند «۲» ماده (۱۳) ارائه «گزارشی ویژه» به درخواست دولت انتقال‌دهنده، پیش‌بینی شده است که مبهم بوده و لازم است شفاف گردد.

۱۱. ماده (۱۵) پیش‌بینی نموده است که هزینه‌های انتقال از شخص محکوم یا منابع دیگر تأمین گردد، اولاً عبارت «منابع دیگر» دارای ابهام است ثانیاً لازم است به منظور جلوگیری از تضییع حق محکوم یا بیت‌المال عبارت «با رعایت مقررات داخلی» به این ماده اضافه شود، ثالثاً مشخص نیست هزینه‌های در قلمرو دولت انتقال‌دهنده با شخص محکوم است یا دولت انتقال‌دهنده.

نتیجه‌گیری

اصل انعقاد موافقتنامه‌های همکاری به شرطی که خللی به استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت دولت ایران وارد نیارد، بسیار مثبت ارزیابی می‌شود، اما باید در نظر داشت که چنین لوایحی با هدف تسهیل ارتباطات و مراودات صورت می‌گیرند و در صورتی که خود دارای ایراد و ابهام باشند به مشکلات می‌افزایند. درحال حاضر که هنوز این لایحه به تصویب نرسیده، متصور است که با رفع ایرادات بتوان از مشکلات احتمالی پیشگیری کرد.